

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء
سال بیست و سوم، دوره جدید، شماره ۱۷، پیاپی ۱۰۷، بهار ۱۳۹۲

درآمدی بر رشوه، پیشکش و انواع آن در عهد قاجار (با تکیه بر عهد ناصری)

محمود رحمانی^۱، سعید محمدخانی^۲
مرتضی دهقان نژاد^۳

تاریخ دریافت: ۹۲/۱/۲۷

تاریخ تصویب: ۹۲/۲/۳۱

چکیده

رشوه و اقسام آن یکی از پدیده‌های شوم اجتماعی است که در تاریخ ایران -به‌ویژه در دوره معاصر- همواره مطرح بوده است. نشانه‌ها و آثار این پدیده را تقریباً در بیشتر امور جامعه و سیاست‌های این دوره می‌توان مشاهده کرد. این مقاله در پی روشن کردن زمینه‌ها و شیوه دریافت و پرداخت رشوه و پیشکش، موضوعات و موارد رشوه‌دهی و رشوه‌گیری است. این نوشتار که به شیوه توصیفی-تحلیلی و بر پایه برخی از منابع دست‌اول همچون خاطرات سیاستمداران، گزارش‌های سیاحان و مأموران خارجی و همچنین برخی از کتب تحقیقی تدوین شده است به بحث فساد بر محور رشوه و پیشکش می‌پردازد و نشان می‌دهد که موضوع رشوه و اقسام آن تقریباً از مهم‌ترین موضوعات فساد در تمامی ارکان جامعه است و

۱. کارشناس ارشد تاریخ rahmani.2544@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ دانشگاه اصفهان s_erfan_1982@yahoo.com

۳. دانشیار تاریخ دانشگاه اصفهان mdehqannejad@yahoo.com

نقش بسیار مهمی در روابط بین بیشتر دولت‌مردان و صاحب‌منصبان دارد. رشوه و پیشکش با توجه به مقتضیات زمان و ساختار اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دوره قاجار انواع و اسامی متعددی پیدا کرده است و حتی در بسیاری از موارد نیز شکل قانونی، عرفی و شرعی به خود گرفته تاجایی که به‌عنوان یکی از منابع مهم و تأثیرگذار مالی و مداخل عمومی کشوری شمرده می‌شود.

واژه‌های کلیدی: رشوه، پیشکش، قاجار، ناصرالدین‌شاه، مالیات.

مقدمه

رشوه و اقسام آن یکی از پدیده‌های شوم اجتماعی است که در تاریخ ایران - به‌ویژه در دوره معاصر - همواره مطرح بوده است. نشانه‌ها و آثار این پدیده را تقریباً در بیشتر امور جامعه و سیاست‌های این دوره می‌توان مشاهده کرد. موضوع رشوه و اقسام آن با توجه به مقتضیات زمان و ساختار اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دوره قاجار، اقسام، انواع و اسامی مختلفی داشته و در بسیاری موارد شکل قانونی عرفی و شرعی به خود گرفته است به‌گونه‌ای که کاملاً از حالت اختفا بیرون آمده و جنبه عمومی و اشتهار پیدا کرده و حتی به‌عنوان یکی از منابع مهم و تأثیرگذار مالی و مداخل عمومی کشوری در آمده است. عمومیت این پدیده تا بدان‌جا است که تقریباً در بیشتر آثار تاریخی نگارش‌یافته در این عصر - حتی منابعی که مورخان درباری نوشته‌اند - و نیز در سفرنامه‌های خارجی بازتاب داده شده است. گرچه بررسی علل توسعه‌نیافتگی ابعاد مختلف جامعه ایران مبحث این مقاله نیست؛ لیکن با مطالعه چنین آثاری، امروزه بهتر می‌توان به دلایل عقب‌ماندگی و توسعه‌نیافتگی جامعه ایران در عصر قاجار پی برد. این موضوع در امور روزمره اجتماعی و سیاسی چنان گسترده و فراگیر بوده است که می‌توان آن را از دلایل عقب‌ماندگی ایران از تحولات روز جهان برشمرد؛ زیرا سیاستمداران ایران عصر قاجار، بیش از آنکه به فکر اصلاح امور باشند به فکر گرفتن رشوه و پیشکش از زیردستان و بالادستان خود بودند.

در پژوهش حاضر با مطالعه و تفحص در برخی از منابع دست‌اول و تحقیقی مربوط به دوره قاجار به‌خصوص در دوران پادشاهی طولانی‌مدت ناصرالدین‌شاه سعی شده است تا به وجوه مختلف رشوه و پیشکش پرداخته شود؛ زیرا رشوه و انواع آن یکی از جنبه‌های بارز اجتماعی این دوران بوده و نقش مهمی در شکل‌گیری ارتباط بین اقشار مختلف جامعه، اصناف، بازاریان، تجار، سپاهیان، دولت‌مردان و درباریان، سران ایلات و عشایر و حتی خود شاه و به کلی عموم طبقات جامعه ایرانی آن دوره داشته است. پرسش‌های پژوهش به این شرح است: فساد در دوره قاجار با تکیه بر رشوه به چه شکلی بوده است؟ در چه زمینه‌هایی دادن رشوه رواج داشته است؟ پیشکش در این زمان چگونه و به چه روش‌هایی دریافت می‌شده است؟ و موضوعات رشوه و پیشکش چه جایگاهی در روابط بیگانگان با ایرانیان داشته است؟ برای یافتن پاسخ این سؤالات، ابتدا شرایط کلی این دوره و سپس زمینه‌های رشوه‌گیری و رشوه‌دهی و همچنین رسوم پیشکشی در دوره قاجاریه (با تکیه بر دوره ناصری) بررسی می‌شود.

۱. رشوه و پیشکش

در لغت‌نامه دهخدا رشوه به معنای پرداخت چیزی برای انجام کار ناروا و غیرمشروع برخلاف موازین قانونی و شرعی است (دهخدا، ذیل واژه) و واژه پیشکش به معنای هدیه و آن چیزی است که کوچکتر به بزرگتر می‌دهد (همان، ذیل واژه). در تاریخ معاصر ایران پدیده رشوه یکی از نابهنجارترین پدیده‌های اجتماعی است که آثار سوء اجتماعی و سیاسی فراوانی برجای گذاشته است. در امور مالی و مالیات، در بخش گمرکات و ترانزیت کالا، در اعطای مناصب لشکری و کشوری به‌وضوح این امر به‌شکل خرید و فروش القاب و مناصب دیده می‌شود. با توجه به اینکه در این دوره از سوی سلاطین قاجاری تلاش واقعی و مؤثری برای زدودن و اصلاح مراکز فساد انجام نمی‌شد و عمده آن را اطرافیان و درباریان سودجو و به‌ندرت سرسپرده تشکیل می‌دادند، بی‌شک این پدیده مخرب - که آثار ویرانگری در اقتصاد، سیاست و فرهنگ ایران بر جای نهاد - به‌شکل یکی از اصول و لوازم قطعی پیشرفت و ترقی در بین تمام اقشار جامعه درآمد تا جایی که پادشاه نیز

به‌عنوان شخص اول مملکت مشوق و مبدع برخی از انواع این نوع مداخل و درآمدهای غیرقانونی شناخته می‌شد.

رشوه‌خواری به مفهوم کلی شامل: پیشکش، مداخل، سیورسات و جعاله می‌شد و هرکدام از این موارد در جای خود با یک نام مخصوص رواج داشت. وزیران و بزرگان قوم پیشکش می‌دادند و می‌گرفتند، دیوانیان مداخل داشتند، لشکریان سیورسات می‌بردند و فقیهان کلاه شرعی بر سر آن می‌گذاشتند و آن را جعاله می‌خواندند (آدمیت، ۱۳۶۲: ۳۱۹). هرچند همه آن‌ها در واقع چپاول مردم بدبخت به شیوه‌های گوناگون بود.

۱-۱. امور مالیه و مالیات

شاید مهم‌ترین بستری که بتوان در آن از رشوه و پیشکش نشان یافت در امور مالیه و مالیات‌گیری باشد. به‌شکل کلی مالیات در این دوره به گروه‌های مختلف مردم، اصناف و ... تعلق می‌گرفت. مالیات به روش‌های مختلف وصول می‌شد. در دوره محمدشاه مالیات از سوی حکام ایالات و شهرها و کدخدایان دهات دریافت می‌شد که دست آن‌ها در این کار بسیار باز بود و هرگونه که می‌خواستند آن را از مردم زیردست دریافت می‌کردند. خودسری نواب مالیاتی گاهی به کشمکش با مردم منجر می‌شد. پرداخت مالیات از سوی حکام ایالات به حکومت مرکزی، گاهی به درستی انجام نمی‌شد، در مقابل نیز حکومت مرکزی ادامه حکمرانی این حکام را منوط به پرداخت مالیات می‌دانست و البته افرادی بودند که با پرداخت مبالغی به حکومت مرکزی خواستار حکمرانی آن ولایات می‌شدند. دست‌اندازی به بیت‌المال، باج‌گیری و نیز سوءاستفاده‌های مالی فراوان وجود داشت. بیشتر مأموران دولتی رشوه می‌گرفتند و حاکمان محلی نیز به این امر می‌پرداختند و به ثروت‌اندوزی مشغول بودند. آن‌ها در نخستین فرصت، مبالغی را که برای خرید مقام خود پرداخته بودند، از مردم طلب می‌کردند. در این دوران برخی افراد با پرداخت رشوه، به القاب خاصی منتسب می‌شدند که هرگز شایسته آن نبودند. در رساله مجدی که از متون این دوره است شرایط کلی این دوره چنین تصویر شده است:

هرچه املاک آباد و ملک مردم بابضاعت بود و مداخل آن به مالیات دیوانی مساعدت می کرد به رشوه و تعارف، بلاجمع و موقوف الحواله شده و مالیات آن ها بر املاک اشخاص که از تقدیم پیشکش و تعارف عاجزند تحمیل گردیده و کار به جایی کشیده که حاکم از عهده آن بر نمی آید و جزء بقایای لاوصول و تخفیفات بخرج منظور محسوب می شود... حکومت ایران نه به قانون اسلام شبیه است نه به قاعده ملل و دول دیگر. باید بگویم حکومتی است مرکب از عادات ترک و فرس و تاتار، مغول و عرب، افغان و روم و ترکمان مخلوط و درهم. یک عالمی است علی حده، با هرج و مرج زیاد... در حکومت حالیه ایران [عهد ناصری] ولایت را در بسته و رعیت را دست بسته به یک مبلغ به عاملین جور مقاطع می دهند (سینکی، ۱۳۲۱: ۱۵-۱۸).

جامعه ایران در دوره قاجار مانند ادوار پیش از خود جامعه ای شمرده می شد که در آن امنیت وجود نداشت. بعد از قتل آقامحمدخان به جرأت می توان گفت سلاطین این دودمان صلاحیت لازم را برای اداره کشور نداشتند. جامعه ایرانی در این دوره، همچنان که مورخ معاصر به آن اشاره کرده است، حالتی شبیه به «خانه کلنگی» داشته که هیچ چیز از جمله مالکیت در آن دائمی نبوده است (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۱۰). این موضوع را در خلال گزارش های غربی ها نیز می توان یافت، چنانکه موریس بوئه^۱ - که خود چند سال قبل از به تخت نشستن ناصرالدین شاه به ایران مسافرت کرد - به نبودن امنیت از جمله امنیت شغلی و بی نظمی در امر وصول مداخل اشاره کرده است: همین ترس افتادن به چنین روزی ایرانیان را خسیس بار آورده. کسانی که یک دفعه پول زیادی به دست می آورند جز در موارد ضروری ممکن نیست چیزی از آن خرج کنند، وزرا حتی القوه فکر گرد آوردن مال اند، چه مطمئن نیستند که تا کی سرکار خواهند بود. پادشاه هم به نوبه خود ذخایر هنگفت خود را از ترس اینکه مبدا جنگی در بگیرد، در خزینه نهاده دست نمی زند، مبدا به موقع پول به دست نیاورد؛ چه مانند اروپا عواید دولتی مرتب و منظم نیست (بوئه، ۱۳۶۵: ۲۷۷).

از گزارشی که هانری رنه^۱، سفرنامه‌نویس فرانسوی این دوره، آورده است معلوم می‌شود که عایدات دولت ایران در عصر قاجار به دو طریق وصول می‌شد که می‌توان آن‌ها را مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم نامید. مالیات مستقیم عبارت بود از جوهی که همه ساله باید منظمأً به خزانه دولت واریز می‌شد، مانند مالیات قراء و قصبات که مبلغ آن قبلاً معین و در کتابچه نوشته شده بود. همچنین عایدات املاک خالصه سلطنتی و عایدات گمرک و اجاره یا حق الامتياز معادن و غیره را باید به این مالیات اضافه کرد. مالیات غیرمستقیم عبارت بود از عایدات اتفاقی و پیشکش‌های معمولی و فوق‌العاده و تعارفات و هدایا و توقیف و ضبط اموال و املاک رعایای شاهنشاهی و غیره (رنه، ۱۳۳۵: ۴۵). وی همچنین در ادامه می‌افزاید که ترتیب اخذ مالیات در ایران فوق‌العاده بی‌نظم بود تا جایی که حکام و مأموران مالیاتی مجاز بودند مبلغ زیادی را به‌عنوان «حق‌الحکومه» با «قوة قهریه» از سکنه بی‌نوا بگیرند که این امر باعث پریشانی زندگی مردم می‌شد (همان، ۲۴-۲۵).

میزان مالیات‌ها هر ساله تعیین می‌شد و سال به سال افزایش می‌یافت. روستاییان می‌بایست پس از برداشت محصول، سهم معینی را پرداخت می‌کردند و عموماً به دلیل اینکه امکان تولید مطلوب وجود نداشت، قادر به پرداخت سهم خود نبودند و مجبور می‌شدند از روستاها متواری شوند. بازرگانان از دیگر اقشاری بودند که مجبور به پرداخت مالیات معینی به شاه بودند و بدون پرداخت آن امکان ادامه فعالیت اقتصادی را نداشتند. با افزایش مخارج دربار، سهم مالیاتی بازرگانان نیز مدام در حال افزایش بود و اینان که به دلیل ورود بی‌رویه کالاهای خارجی درآمد خوبی نداشتند، بیشتر زیر فشار قرار می‌گرفتند. در گزارش‌های دوره‌ای مالی مباشران ایالات به پایتخت، این‌گونه ظلم‌ها را می‌توان مشاهده کرد. چنانکه این مهم را در گزارش مالی مباشر لرستان درباره امور مالی و اوضاع این ایالت می‌توان دید. در این گزارش به روشنی به این نکته اذعان شده است که هرگاه مالیات موردنظر تأمین نمی‌شد، «مباشرین نواب احتشام‌الدوله تلافی این کسر عمل را به اینکه سالی یک‌دو طایفه را غارت نمایند و بعضی از طوایف را به دیگری بفروشند و پیشکشی و جریمه از دو طرف بگیرند» قرار داده بودند (بیانی، ۱۳۷۵: ۳۲۶-۳۲۷). چنانکه درباره ناحیه پشتکوه، کسری

1. Henry Rene D'Allemagne

۳۸۰۰ تومانی را «گاهی به غارت طایفه حیدرخان و گاهی به غارت طایفه علی خان و گاهی پیشکشی که از بعضی گرفته و حصه دیگری را به او داده است» قرار داده بودند (همان، ۳۳۰). هانری رنه به نقل از لرد کرزن^۱ درباره کاهش مداخل کارمندان دولت در زمان قاجاریه شرحی می‌نویسد که بسیار قابل توجه است. وی از زبان کرزن و به استناد سرجان ملکم^۲ گزارش می‌دهد که فتحعلی شاه در عید نوروز سی میلیون تومان از فرمانفرمایان، حکام ایالات و ولایات و سایر اعیان و بزرگان به عنوان پیشکش می‌گرفت؛ ولی ناصرالدین شاه به اخذ نصف این مبلغ هم موفق نشد و در سنوات بعد این مبلغ به شکل محسوسی تقلیل یافت. کاهش مداخل بسیار زیاد بود و گویای این است که «تحصیلداران مالیات چگونه خون رعایای بدبخت را مکیده‌اند که دیگر قادر به پرداخت مداخل نیستند و نظر به اینکه مداخل حکام رو به تقلیل گذارده از مبلغ پیشکشی سالیانه نیز کاسته شده است.» (۱۳۳۵: ۲۷). وی درباره فساد در امر مستمری و مواجب شاهزادگان و افرادی که استحقاق گرفتن چنین مبالغی را نداشتند، چنین می‌افزاید که: «چون یکی از آن‌ها بمیرد وراثت او فعالیت می‌کنند و به مستوفیان رشوه می‌دهند تا فرمان گرفتن آن مواجب به نام آن‌ها از شاه صادر شود. گاهی هم مبلغی به خود شاه پیشکش تقدیم می‌کنند تا دستور صدور فرمان را بدهد.» (همان، ۵۰).

مورگان شوستر^۳ آمریکایی که سال‌ها بعد از قتل ناصرالدین شاه و در ایام مشروطه به ایران آمده بود و مسئول سروسامان دادن به امور مالی ایران شده بود، درباره مالیات و مسائل مالی ایران عصر قاجار گزارش جالبی دارد که آن را این گونه بیان می‌کند:

من می‌توانم به خوبی بگویم که مالیات ایران، در صورتی که کسی بتواند مفهوم یا وجود خارجی برای پیچیدگی فرض نماید، خیلی درهم و پیچیده بود. اگر کسی می‌خواست آن را بیچاند غامض و مشکل تر می‌شد. خلاصه و مختصر این است که ایران هیچ مالیاتی به معنی متعارفی نداشت. در وزارت مالیه مذکوره جمعی از صاحب‌منصبان و آقایان ایرانی بودند که هر یک بر دیگری پیشی و سبقت جسته و بیشتر اوقات پی‌درپی تغییر و تبدیل می‌یافتند. در بیان

1. G.N.Curzon
2. Sir John Malcolm
3. W.M.Shuster

و مهارت و توصیف ادعای اطلاعاتشان همین بس که تمام ثروت و نفوذ خود را صرف کرده و محتاج این بودند که چاله و گودال افلاسان را پر کرده و بتوانند کیسه‌های خود را از مرض تهی بودن، رهایی دهند (شوستر، ۱۳۳۴: ۹۶).

میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله که از سیاست‌های دولت‌مردان این زمان شکوه و نارضایتی دارد، در شماره‌هایی از روزنامه قانون به انتقاد از وضع مالیه ایران در این عصر و فساد حاکم بر دستگاه مالی کشور پرداخته است. از جمله در شماره پانزدهم این روزنامه (۱۳۶۹ش) با بی‌قانون خواندن ایران بیان می‌کند که این دولت حق دریافت مالیات را ندارد و پرداخت مالیات از سوی مسلمانان به این دولت خلاف شرع خدا است.

۲-۱. پیشکش حکمرانی

همچنان که در مبحث مالیات اشاره شد، یکی از مصیبت‌بارترین کارها در دوران قاجار به مزایده گذاشتن حکومت شهرها و ولایات بود. حکام شهرها هر سال همزمان با عید نوروز تعیین می‌شدند.

از میان کسانی که برای حکومت ولایت یا شهری در نظر گرفته می‌شدند - بی‌توجه به صلاحیتشان -

هرکس پول بیشتری پیشکش می‌کرد به آن سمت دست می‌یافت. حاکمی که به این ترتیب گماشته می‌شد در سراسر دوران حکمرانی خود همه تلاش خویش را صرف گرفتن پول از مردمان از هر راه و با هر وسیله می‌کرد تا پولی را که به شاه پرداخته یا سال بعد برای به‌دست آوردن مقام دیگر باید پردازد، تأمین کند. همچنین این



حاکم می‌بایست در دوران کوتاه حکومت خود از پر کردن جیب خود و اندوختن ثروت نیز غفلت نمی‌کرد. در چنین اوضاع و احوالی، وضع مردمان به‌ویژه روستاییان بدبخت - که فریادشان از بی‌عدالتی به آسمان‌ها می‌رفت و فریادرسی هم پیدا نمی‌شد - روشن بود. اوضاع نابسامان سیاسی و اجتماعی ولایات این زمان را می‌توان از گزارش‌ها و سفرنامه‌های این دوره به‌خوبی مشاهده کرد. یکی از گزارش‌هایی را که در این زمینه موجود است مادام ژان دیولافوا^۱ ارائه می‌دهد:

حاکم علاوه بر اینکه از دولت حقوق نمی‌گیرد در موقع رفتن به مأموریت هم مبلغ گزافی باید به شاه و وزرا به‌عنوان پیشکش تقدیم نماید و هر کس بیشتر پول داد به حکومت منصوب می‌گردد. بنابراین حاکم مجبور است علاوه بر مبلغ تقدیمی، مبالغ زیادی از اهالی بگیرد و با صندوق‌های پر از پول مراجعت کند. البته در نتیجه این فشار تحمل‌ناپذیر اهالی پریشان و بی‌سروسامان می‌شوند و اگر احیاناً کسی پولی داشته باشد مجبور است آن را در زیر خاک پنهان کند و نمی‌توان آن را به مصرف تجارت یا اصلاح و تعمیر ملک خود برساند و با اینکه نرخ محاربه به بیست و پنج درصد می‌رسد از این منافع سرشار چشم می‌پوشد (دیولافوا، ۱۳۷۶: ۱۸۲).

می‌توان حدس زد که توده‌های تهیدست شهری و روستایی باید چقدر زیر فشار قرار گیرند تا خریداران شهرها و ایالات به جمع‌آوری پولی که به بالادست خود داده‌اند موفق شوند. جنایات حکام در شهرها و ایالات به شکل تکان‌دهنده‌ای در منابع تاریخی و همچنین اسناد دوره مشروطیت ثبت شده است. حکام عموماً برای دریافت پول از مردم تهیدست آنان را به زیر شلاق می‌کشیدند و برای اینکه آنان را مجبور به پرداخت پول کنند، حتی از شکنجه کودکان آنان نیز ابایی نداشتند. فروش دختران روستایی قوچانی به ترکمن‌ها از مصیبت‌بارترین گزارش‌های عهد قاجاریه است. بر اساس این گزارش، روزی حاکم قوچان برای دریافت مالیات به سراغ مردم قوچان رفت و آنان چیزی برای پرداخت نداشتند. حاکم قوچان در مقابل هر دوازده‌من گندم، یک دختر از آنان گرفت و سی دختر روستایی را به ترکمن‌ها فروخت. در این زمان حاکم بجنورد نیز

1. Jane Dieulafoy

دست به همین جنایت زد و دختران روستایی را در مقابل مالیات به ترکمن‌ها فروخت (حکیمی، ۱۳۶۵: ۲۷۵).

چنانکه قبل از این اشاره شد حکام، اعیان، و شاهزادگان برای رسیدن به حکمرانی ایالات و ولایت به شاه مبالغی را به‌عنوان پیشکش می‌دادند و به فرمانروایی آن منطقه می‌رسیدند. به‌گونه‌ای که هرکس مبلغ بیشتر پیشنهاد می‌داد به امارت آنجا منصوب می‌شد. مثلاً اعتمادالسلطنه در یادداشت چهارشنبه ۱۸ رجب ۱۳۰۹ ق خود گزارش می‌دهد که رکن‌الدوله در عوض پرداخت رشوه پنجاه‌هزار تومانی حاکم فارس شد و پسر وی هم بر همین اساس عین‌الملک لقب گرفت و حسام‌السلطنه نیز در عوض پرداخت رشوه‌ای که مبلغ آنرا ذکر نکرده حکمرانی قزوین را یافته است (۱۳۴۵: ۹۰۸). دست‌اندازی به بیت‌المال، باج‌گیری و سوءاستفاده‌های مالی نیز به‌وفور وجود داشت. بیشتر مأموران دولتی به گرفتن رشوه متمایل بودند و حاکمان محلی نیز به این امر مبادرت داشتند و به ثروت‌اندوزی مشغول بودند. بنابر نوشته مورخی، در این زمان افرادی نظیر معتمدالدوله پس از پرداخت مبلغ زیادی -همچون دیگر حکام- به شاه و درباریان، به حکومت منصوب می‌شدند که «آن وجه خریداری رعایای آن ولایت است بعد از ورود هرچه به سر مردم بیاورند شکایت و شفاعتی موثر نمی‌شود.» (سیاح، ۱۳۴۶: ۱۶). حکام در نخستین فرصت، مبالغی را که برای خرید مقام خود پرداخته بودند، از مردم طلب می‌کردند. چنین وضعیتی در دوران سلطنت مظفرالدین‌شاه و ناصرالدین‌شاه قاجار نیز وجود داشت. حاکمان قاجار برای پرشدن خزانه دولت، هر ساله حکام ایالات را تغییر می‌دادند و از این انتصابات رشوه‌های فراوانی می‌گرفتند. حاکمان محلی نیز کارهای اداری را به اشخاص متمول می‌فروختند و از این راه اموال عمومی را تصاحب و چپاول‌های بسیار می‌کردند (راوندی، ۱۳۵۹: ۴/۱۳۰ و ۸۴۹ و ۴۹۷-۴۹۸ و ۵۱۴). در این مورد گزارشی از عبدالله مستوفی در خاطراتش آمده است:

شاه بعد از آنکه از صندوق عدالت نتیجه‌ای به دست نیاورد و نتوانست جلوی تعدی حکام را به رعیت بگیرد، خود را با حکام شریک کرد و برای هر ولایتی مبلغی پیش‌کشی معین نمود. حکام باید قبل از حکومت خود این پیش‌کشی را بپردازند. مثلاً فارس و خراسان هریک دویست‌هزار تومان پیش‌کشی داشت که هر ساله حاکم باید قبل از تجدید سال بپردازد. این مبلغ

در حقیقت اضافه‌جمعی بود که بدون هیچ جزء جمعی از حکام می‌گرفت و کسر مخارج بیوتات و سایر حوائج و انعامات و فوق‌العاده را که روزافزون زیاد می‌شد، بدین وسیله جبران می‌کرد. حکام که سابقاً چیزی به این عنوانان نمی‌دادند، رعیت را می‌تاختند. حالا که شاه هم شریک تعدی آن‌ها است، بدون هیچ ترس و واهمه آنچه می‌توانند تعدی می‌کنند (۱۳۸۶: ۷۱۱).

امین‌الدوله نیز به‌عنوان یکی از رجال خوشنام این دوره با انتقاد از شرایط موجود، این‌گونه موارد را در خاطرات خود ثبت کرده است. چنانکه وی فروختن ولایات و خواستن پیشکش بی‌حساب از حکام را وسیله‌ای مؤثر در گردش کار سلطنت می‌داند و بیان می‌کند که بیشتر این وجوه حرام را صدراعظم و برادرش به خود حلال می‌دانستند و در برخی موارد مبالغه‌ناچیز به امراء و جنود می‌دادند (۱۳۴۱: ۱۹۲).

البته مردم همیشه حاضر به همکاری و دادن پیشکش و هدایا به حکام نمی‌شدند. گاهی نیز اتفاق می‌افتاد که کاسه صبر مردم لبریز می‌شد و علیه حاکم قیام می‌کردند. حاکم جدید در صورتی که توان مقابله با نیروهای مردمی را نداشت معمولاً می‌گریخت و به حکمرانی ولایت دیگری منصوب می‌شد. از جمله این مقاومت‌های مردمی علیه ظلم و ستم حکام در بوشهر ثبت شده است. ژان دیولافوا که در دومین سفر خود به ایران از منطقه بوشهر گذر کرد این‌گونه ثروت‌اندوزی حکام را مطابق با سرشت مأموران شرقی می‌داند و می‌افزاید مردم بوشهر به دلیل زیاده‌خواهی حاکم خود، میرزامصطفی نظام، وی را به وضع اسف‌باری از شهر اخراج کردند (۱۳۵۵: ۴۸).

۳-۱. بخشش ملوکانه

دادن رشوه و پیشکش را می‌توان از دو نظر بررسی کرد: رشوه و پیشکشی که زبردستان به بالادستان می‌دادند و آنچه را که بالادستان به خصوص شخص شاهنشاه به زبردستان و اطرافیان می‌دادند. بسیاری از افرادی که به بلعیدن این اموال عادت کرده بودند هرگاه با نظر مساعد «قبله عالم» مواجه نمی‌شدند با خشم و نفرت از حضور وی مرخص می‌شدند و عواقب کم‌لطفی شاه به

اطرافیان شاید برای ضعیف‌ترین اقشار جامعه گران تمام می‌شد. گاه نیز شاه در مقابل درخواست‌های اطرافیان با مشکل خزانه خالی مواجه می‌شد؛ اما در امضای برات و حواله‌جات هیچ‌گونه مضایقه‌ای نداشت (امین‌الدوله، ۱۳۴۱: ۱۹۲).

معمولاً تعداد اشخاصی که از مواهب شاهانه برخوردار می‌شدند کم نبودند. برای مثال از جمله اشخاصی که در عهد ناصرالدین‌شاه مورد الطاف ملوکانه قرار گرفتند، برادرِ اشرف، صدراعظم میرزا فضل‌الله وزیر نظام بود که «مورد الطاف و اشفاق خسروانی آمده و به عطای نشان تمثال شاهنشاه که ترصیع جواهرش نشانه فروغ ستاره و ماه بود تشریف یافت». همچنین میرزاهاشم از خاندان اجله سادات تبریز بود که «برائت ساحت او از آلائش جنایت‌ها که بدو نسبت کردند ظاهر گشت و به حکم اولیای خاص به تشریف جبه‌ای از نسج کشمیر اختصاص یافت.» (سپهر، ۱۳۷۷: ۱۴۷۹). در ۱۲۷۳ق نیز افرادی چون اسدالله‌خان معتمدالملک حاکم همدان و آقا محمدحسن مهرداد بودند که هر یک به «نشان تمثال شاهنشاه تشریف یافتند.» و محمدخان امیرتومان شمشیری با قبضه مرصع به خلعت گرفت و دیگر انوشیروان خان‌سالار که عین‌الملک لقب داشت «دشنه‌ای که قبضه مرصع داشت به تشریف یافت.» (همان، ۱۴۷۳).

اعطای هدایا به زبردستان معمولاً منحصر به شخص شاه نبود و وزرا و حکام نیز به چنین اعمالی اقدام می‌کردند. چنانکه ماری شیل^۱ - که همسر سفیر مختار انگلیس در اوایل سلطنت ناصرالدین‌شاه در تهران بود- در بیان خاطرات خود از ۱۰ مارس ۱۸۵۰م درباره الطاف ملوکانه رجال کشوری، از جمله اجناسی که صدراعظم به مناسبت عید نوروز به زبردستان می‌داد از شال کشمیری برای رجال والامقام و قبا و پیراهن چیت برای خدم و حشم نام می‌برد و در ادامه می‌افزاید که صدراعظم «غرامت آن را مسلماً از جای دیگری جبران خواهد نمود.» (۱۳۶۲: ۹۶).

البته احسان و بخشش ملوکانه گاهی شامل مالیات هم می‌شد و بخشش‌هایی از سوی شاهنشاه انجام می‌شد که از جمله این موارد را می‌توان در *روزنامه ایران* دید. در گزارش شماره دوازدهم این روزنامه (شنبه ۲۲ صفر ۱۲۸۸ق) از تخفیف ۵۶ هزار تومانی مالیات مقرر ۱۰۶ هزار تومانی و

1. Ann Mary Shill

همچنین تخفیف ۲۱ هزار تومانی مالیات فارس از سوی ناصرالدین شاه برای میرزا عیسی سخن به میان آمده است (۱۳۷۴: ۴۶).

۴-۱. گمرک

یکی از موضوعات مهم در دوره قاجاریه گمرک بود. چنانکه در بعضی از قراردادها بر روی عواید آن، بندهای قرارداد تنظیم می شد. در ۱۲۹۲ق گمرک به شکل وزارتخانه درآمد و وزارت گمرک نامیده شد. وزیر گمرک مقاطعه کار کل گمرکات، میرزا قهرمان امین لشگر بود. او مردی ولخرج بود و در افزایش درآمد گمرک و وصول حقوق دیوانی توفیقی نیافت. در این دستگاه نیز فساد، رشوه و رشوه خواری دیده می شد تا جایی که در ایران گمرک هر ولایت یا ناحیه ای را به کسی که مبلغ بیشتری پرداخت می کرد یا رشوه کلان تری می داد، به اجاره واگذار می کردند (کرزن، ۱۳۴۷: ۵۶۶/۲). فساد در این زمینه خاص داخل کشور نبود. دیولافوا در خاطرات خود ذکر می کند زمانی که آن ها در مرز ایران و عثمانی قصد خروج صندوق های حاوی اشیاء باستانی مکشوفه در ایران به عراق را داشتند با برخورد نامناسب مسئولان گمرک عثمانیان مواجه شدند و مأموران گمرک عثمانی در این مورد از هیئت فرانسوی درخواست پنج هزار فرانک به عنوان حق عبور و رشوه کردند تا اجازه تردد صندوق ها را بدهند (۱۳۵۵: ۱۶۸). این باستان شناس فرانسوی که در سفر دوم خود به ایران هم با بی نظمی و فساد در گمرک ایران مواجه شد در پاسخ به علل رشوه گیری و باج ستانی مأموران دولتی در گمرک، شخص شاه را نیز در این امر دخیل می داند (دیولافوا، ۱۳۷۶: ۳۰۱).

۵-۱. قراردادها

یکی از بحث برانگیزترین قراردادهای ایران در زمان ناصرالدین شاه قرارداد تالبوت^۱ بود. در قرارداد تالبوت که در جریان سفر ناصرالدین شاه به فرنگ در ۱۳۰۶ق امضا شد، تالبوت پس از ملاقات با

1. Major Gerald Talbot

شاه و پی‌بردن به کیسه خالی وی و نیاز شدیدش به پول به او پیشنهاد کرد که امتیاز انحصاری خرید و فروش و تهیه توتون و تنباکوی سراسر قلمرو پادشاهی ایران را به مدت پنجاه سال بر اساس قراردادی به وی واگذار کند. ناصرالدین شاه با دریافت مبلغی رشوه و با دلالتی امین السلطان و دیگر شاهزادگان و درباریان به این امر رضایت داد (حکیمی، ۱۳۶۵: ۱۸). در ابتدای کار کمپانی دخانیات ۱۹۰۰ سهم به ایرانیان فروخت. از این مقدار بخشی را به رایگان در اختیار شاه نهاد. این مبلغ افزون بر پیشکش بود. با این کار ماژور تالبوت امید داشت که خود شاه نیز مشوق خرید سهام شود و دیگران را در پی خود بکشانند (ناطق، ۱۳۷۳: ۱۱۰).

تالبوت پشیمان شد و در آمدن به ایران شتابی نکرد. دولت ایران انتظار می‌کشید و تالبوت بهانه می‌تراشید و از رشوه‌ها می‌نالید؛ زیرا در استانبول مشغول فراهم کردن مقدمات فروش امتیاز به یک شرکت چند ملیتی بود که رژی هم در آن سهم بود (همان، ۸۸). غریبان که از واگذاری این امتیاز ناراحت شده بودند، شروع به کارشکنی کردند. نمونه این اشخاص رنه دوبالوا^۱، سفیر فرانسه در تهران بود که از ژنرال ولف^۲، از کارگزاران این قرارداد، دل خوشی نداشت. وی درباره امتیاز تالبوت گزارشی فرستاد و تالبوت را به شدت محکوم کرد. دوبالوا با برملا کردن واقعیت‌های زندگی ماژور تالبوت افشا می‌کند که وی این امتیاز را به ضرب یک میلیون رشوه ستانده است (همان، ۹۱). جریان رشوه‌گیری در این قرارداد، خاص مقامات تهران نبود. برای مثال در کرمان، خان‌ناظم به‌عنوان متهم به رشوه‌گیری زمانی که مورد شماتت مدعیان قرار گرفت، شروع به افشاگری کرد و از پالتوی کشمیری فرمانفرما، عبای تقدیمی حجت‌الاسلام، نان خشک، حلوا، پشم، حنا و کشکی که رجال به «ارنستین» تقدیم داشتند سخن به میان آورد (همان، ۱۴۳). در ماجرای رویت^۳ نیز داستان رشوه‌دهی را می‌توان دید. چنانکه گزارشی در این مورد از سوی اعتمادالسلطنه بدین شکل آمده است:

اعتمادالسلطنه گفت: چه ضرر دارد ما بدانیم این مبلغی را که رویتراً اصلاً و فرعاً مطالبه می‌کند صرف چه کرده؟ جواب دادند از این مبلغ ۵۰۰۰۰ لیره میرزا حسین خان صدراعظم گرفته،

1. René de Balua
2. Henry Drummond Wolff
3. P.J.F.Reuter

همین قدرها میرزا ملکم خان، ۲۰۰۰۰ لیره حاجی محسن خان معین الممالک، ۲۰۰۰۰ لیره مشیرالدوله حاضر، مبلغی اقبال الملک حاضر و مبلغی هم مردم دیگر که دست اندرکار این عمل بوده اند. مختصر قریب دوست هزار لیره تعارف داده و یکصد هزار لیره هم خرج کرده است. اعتماد السلطنه گفت از میرزا حسین خان صدراعظم مکتب باقی مانده، آنچه از رویت گرفته ورثه پس دهند. سایرین هم که از این رشوه خورده و حاضرین رد کنند (۱۳۴۸: ۸۶ - ۸۷).

وی همچنین در ادامه می افزاید:

وقتی که در پاریس بودیم پسر رویت از لندن به دارالملک فرانسه آمد و بعضی از فصول امتیاز بانکی را که در تهران گرفته بود چون مقرون به صرفه نمی دانست خواهش کرد تغییر بدهم. رشوه ای هم داد. گرفتم و دادم و خواهی نخواهی به صحنه و امضای پادشاهی رساندم (همان، ۱۰۱).

داستان رشوه گیری به قدری بالا گرفته بود که حتی فریاد آقای رویت نیز در آمد. بارون رویت از همان لحظه که با ایرانیان سروکار پیدا کرد، ناله و نفرینش بلند شد و آشکارا می گفت که از رشوه دادن به اطرافیان حریص شاه که سیری سرشان نمی شود واقعا خسته شده است (آدمیت، ۱۳۶۲: ۵۴۸).

ناصرالدین شاه در سفر سوم خود به فرنگ و در زمانی که میرزا ملکم خان ناظم الدوله، وزیرمختار ایران، در انگلستان بود، امتیاز دایر کردن لاتاری در ایران را در مقابل دریافت مبلغی به ملکم خان داد. ملکم خان که در غربزدگی گوی سبقت را از همگان ربوده بود و کارش به مزدوری غرب و فروش مملکت به بیگانه کشیده شده بود، با توافق قبلی امتیاز مزبور را به دو کمپانی انگلیسی فروخت. شاه وقتی از سفر بازگشت به تحریک میرزا علی اصغر خان امین السلطان و مخالفت علما امتیاز مزبور را لغو کرد. «البته مخالفت صدراعظم با این امتیاز به دلیل خیراندیشی او نبود، بلکه به این دلیل بود که ملکم به وعده خود مبنی بر پرداخت پول گزافی به امین السلطان پس از تحصیل امتیاز وفا نکرده بود.» (حکیمی، ۱۳۶۵: ۱۸). همچنین در زمان مسافرت ناصرالدین شاه به فرنگ در سفر سوم خود در ۱۳۰۶ ق امتیاز تهیه الکل و شراب به فیلیپار فرانسوی داده شد. این

امتیاز هم - که برای به دست آوردن آن پنجاه هزار فرانک به همراهان شاه رشوه داده شده بود - به علت مخالفت مردم به فراموشی سپرده شد (همان، ۱۹).

از نمونه‌های دیگر این قراردادها که در آن‌ها جریان پیشکش و رشوه‌دهی وجود داشت می‌توان به امتیاز بهره‌برداری از جنگل‌های شمال، امتیاز حق کشتیرانی آزاد در دریاچه ارومیه و امتیاز راه قم - اهواز اشاره کرد. محمدولی خان نصرالسلطنه که از جمله سیاستمداران این زمان بود، امتیاز بهره‌برداری از جنگل‌های شمال را با نیت نزدیک شدن به روسیه و برانگیختن شورش‌های محلی در آن مرزها با پرداخت رشوه به شاه دریافت کرد و آن را به انگلیسی‌ها واگذاشت (ناطق، ۱۳۷۳: ۳۶). از دیگر امتیاز، امتیاز حق کشتیرانی آزاد در دریاچه ارومیه به ژنرال آلفرد لمر^۱ از سوی دولت ایران بود. در این قرارداد و در ماده ششم آن ذکر شده بود که صاحب امتیاز باید ۵٪ سود سالانه را به دولت ایران بپردازد. در ازای این مبلغ که به پیشکش شبیه بود، دولت ایران متعهد می‌شد که هیچ مالیاتی از لمر نستاند (همان، ۴۴). همچنین میرزا یحیی خان مشیرالدوله امتیاز راه قم - اهواز را با پادرمیانی آلفرد لمر کسب کرد و در ۱۸۸۹م «دوسه هزار تومان» به شاه پیشکش داد. امتیاز چراغ برق تهران را هم گرفت. هردو امتیاز را سیزده هزار لیره انگلیسی به بانک شاهی فروخت و به قول اعتمادالسلطنه ۴۵ هزار تومان مداخل برد (همان، ۴۶).

کار اینگونه بخشش‌ها و رشوه‌خواری‌ها به جایی رسیده بود که حتی بیگانگان به تمسخر دولت‌مردان ایرانی می‌پرداختند. از جمله ادوارد براون^۲ با نقل شعری بی‌مأخذ که مضمون طنز و هجو داشت به واگذاری امتیازات از سوی حاجی میرزا آقاسی، یکی از صدراعظم‌های این زمان، چنین اشاره کرده است:

نگذاشت در ملک شاه، حاجی درمی کرد خرج قنات و توپ، هر بیش و کمی
نه مزرع دوست را از آن قنات / چاه / نمی نه خایه دشمن / خصم / را از آن توپ غمی

اتلاف و به‌هدر دادن سرمایه توسط حاجی میرزا آقاسی که در این شعر مورد تمسخر قرار گرفته است، در واقع از اشتباهات کوچک و جزئی حاجی به شمار می‌رود! او بود که حق

1. Alfred Lomer

2. E.G.Brown

انحصاری کشتی‌رانی در دریای خزر را به روسیه واگذار کرد و با بذله‌گویی خاص خویش گفت: «ما مرغابی نیستیم که آب شور لازم داشته باشیم!» و سپس اضافه کرده بود که: «برای مшти آب شور نمی‌شود کام شیرین دوست را تلخ کرد.» (۱۳۸۱: ۱۴۶).

۶-۱. پیشکش از ماترک رجال و بزرگان کشور

یکی از رسوم شاهان قاجار مصادرهٔ اموال تجار بزرگ بود که مکرر اتفاق می‌افتاد، مثلاً مصادرهٔ ۸۰۰ هزار تومان اموال حاج امین‌الضرب^۱ توسط دولت مظفری به اتهام سوءاستفاده، موردی از مصادرهٔ اموال تجار مرحوم بود. زمانی که حاجی عبدالطیف از دنیا رفت هنوز جنازهٔ او از خانه خارج نشده بود، مأمور امین‌السلطان برای گرفتن پول جلوی خانهٔ او حاضر شد. همچنین حاجی ابوالفتح بلورفروش و ده‌ها تن دیگر که در این مقاله جای پرداختن بدان نیست (اعتمادالسلطنه، ۱۳۴۵: ۶۰۴) از موارد مشابه این‌گونه مصادرات به نفع حاکمیت بود که توسط عمال حکومت به نام پیشکش آن هم به زور انجام می‌شد. هرگاه یکی از این‌گونه افراد - که عموماً تاجر، بازاری، صاحب‌منصبان دولتی و یا امیران و شاهزادگان ثروتمند بود - فوت یا از کار برکنار می‌شد فوراً از سوی حکومت افرادی برای ضبط اموال فرستاده می‌شدند تا جایی که این امر حتی خشم نزدیکان شاه همچون اعتمادالسلطنه را برمی‌انگیخت. چنانکه وی شاه را که باید حافظ نظم ایران و مملکت کیان باشد، برای طمع به مال مرحوم عمادالدوله که از رجال خوشنام قاجار بود به شدت نکوهش می‌کند (همان، ۱۶).

۱. امین‌الضرب کسی است که اولین کارخانهٔ ابریشم‌بافی را وارد ایران کرد؛ ولی به دلیل عدم حمایت دولت و رقابت قدرت‌های استعماری ورشکست شد.



از جمله راه‌های فرار از این عاقبت شوم وقف کردن و عام‌المنفعه قرار دادن اموال و املاک بود که با این کار می‌شد برای خود خوشنامی کسب کرد و از چپاولگری عمال حکومتی رهایی یافت؛ زیرا اموال و املاک موقوفه تحت نظارت روحانیت قرار می‌گرفت و از دستبرد محفوظ می‌ماند (دیولافوا، ۱۳۷۶: ۱۸۶).

در روزنامه قانون نیز که به نوعی آئینه تمام‌نمای حوادث تلخ این زمان است، این موضوع نیز مورد بررسی قرار گرفته و از قول یکی از مستوفیان تهران در این باب چنین موردی آورده شده است:

حساب پول و املاک قوام‌الدوله و مخبرالدوله و صاحب دیوان و حاجی امین‌الضرب و امین‌السلطان و امین‌الملک و ظل‌السلطان و غیره مدتی است در آن کتابچه معروف ثبت است و هر روز منتظر هستند که کدام اجل یا کدام بهانه خواهد رسید که حساب هر یک را موافق سنت سنیه پاک نمایند. چه جای تصحیب. بعد از آنکه بزرگان ملک حتی از برای حفظ جان خود بقدر میوه‌های جنگلی و حیوانات را نفهمند واضح است که هست و نیست چنان ملک بسته خواهد بود به اشاره یک تراش خلوت.

به قدر میمون‌های جنگلی و جوب اتفاق را نفهمند، واضح است که هست و نیست چنان ملک بسته خواهد بود به اشارهٔ یک فراش خلوت (ناظم‌الدوله، ۱۳۶۹: ۲۲).

۷-۱. سایر پیشکش‌ها

علاوه بر موارد بالا، از دیگر پیشکش‌های این دوره می‌توان به دادن پیشکش برای بخشش گناهان اشاره کرد. چنانکه ظل‌السلطان برای پنهان کردن مرگ مشیرالملک و ضبط دارایی وی، به ناصرالدین‌شاه پیشکشی شامل: چهار اسب اصیل، مقداری فرش و پارچه‌های گران‌قیمت به همراه چند کیسه اشرفی پرداخت کرد (حکیمی، ۱۳۶۵: ۱۱۸) یا پیشکش نام‌گذاری که به مناسبت تولد فرزندان شاه از سوی نزدیکان دربار و شخصیت‌های مشهور پرداخت می‌شد. برای مثال اعتمادالسلطنه در ذکر شخصیت‌هایی که در تولد محمدمیرزا، فرزند ناصرالدین‌شاه، پیشکشی داده‌اند از مستوفی‌الممالک، امام جمعه، حاجی معتمدالدوله، ظل‌السلطان و نایب‌السلطنه نام برده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۴۵: ۳۱۵).

پیشکش تصدق و وجوه تصدق یکی از رسوماتی بود که در سراسر دورهٔ قاجاریه به خصوص در دورهٔ ناصری رواج کامل داشت. اعتمادالسلطنه گزارشی از این‌گونه انعامات و عطایا که شاهنشاه و رجال دولت پرداخت می‌کردند، ارائه می‌دهد. بنابر این گزارش حتی زنان نیز در مهمانی انیس‌الدوله از این‌گونه تشریفات برکنار نمی‌ماندند (بی‌تا: ۹۶). این مرد پرکار و مشهور عصر قاجار از جمله شخصیت‌هایی بود که از این‌گونه بدعت‌ها شکوه داشت و موارد بسیاری از این نمونه را در خاطرات خود ذکر می‌کرد (۱۳۴۵: ۸۸۶). وجوه تصدق همیشه به شکل داوطلبانه و از روی میل نبود و گاهی شاه به شکل غیرمستقیم از مردم با عنوان پیشکشی اخاذی می‌کرد. نمونهٔ آن در جریان رسوایی و افتضاح در اخاذی دوپست‌تومانی عزیزالسلطان و امین‌السلطان به نام ناصرالدین‌شاه از حاج میرزا حسین صراف شیرازی بود (اعتمادالسلطنه، بی‌تا: ۸۸۶ و ۸۸۷).

نمونهٔ دیگر پیشکش دپهٔ ضاربان بود. شاه و وابستگان وی حتی در امور روزمره و دعوای مردم عادی نیز دخالت می‌کردند و از این راه بیشتر در پی کسب منافع خود بودند نه برقراری عدالت. چنانکه از شخص ضارب مبلغی به عنوان دپه می‌گرفتند و به مصرف شخصی می‌رساندند.

نمونه این امر را در گزارش‌های تواریخ این دوره می‌توان یافت، مثلاً فرجام یک نزاع بین دو فرد که به جراحات یکی از آن‌ها منجر می‌شد این چنین ختم به خیر می‌شود: «...امروز از مهدی قلی‌خان امیرآخور دوست‌وده تومان دپه ضربت شخص مضروب دیروز را گرفته اعلی حضرت همایون از علو همت که دارند پنجاه تومان به مضروب دادند و یکصد و شصت تومان خود نوش جان فرمودند.» (همان، ۹۱).

۲. رشوه و پیشکش در امور نظامی

از مصیبت‌بارترین بخش‌هایی که در آن فساد رشوه و پیشکش مایه ضعف و فتور در ارکان کشور شده بود امور نظامی و ارتش بود. ارتشی که باید در این برهه حساس در مقابل زیاده‌خواهی‌های بیگانگان از مرزهای کشور دفاع کند به ملعبه‌ای بین افراد نااهل تبدیل شده بود. هزینه‌هایی که از سوی حکومت برای سرو سامان دادن به امور نظامی اختصاص می‌یافت خرج امور شخصی صاحب‌منصبان می‌شد. با وجود پرداخت مبالغ کلان برای هزینه‌های آن، پول‌های پرداخت شده را کامران میرزا نایب‌السلطنه و وزیر جنگ و افسران زیردست او حیف و میل می‌کردند و بدین سان در عمل، ارتشی وجود نداشت. ارتشی که در مقابل بسیاری از تهاجمات و شورش‌های داخلی و خارجی ناتوان بود سربازان را از بین روستاییان جمع‌آوری می‌کردند و هر دهکده باید عده سربازی متناسب با جمعیت خود می‌داد؛ اما کدخدا که مأمور سربازگیری بود، پولی از زارعان توانا می‌گرفت و آن‌ها را معاف می‌کرد (دیولافوا، ۱۳۷۶: ۹۷). سربازانی که به سرحدات و مرزها برای دفاع از کیان مملکت گسیل می‌شدند روحیه مقابله با دشمن را نداشتند؛ زیرا در بدترین شرایط و بدون هیچ‌گونه مواجهه‌ای مجبور به جنگ می‌شدند و مالیاتی که از مردم برای سروسامان دادن به وضعیت ارتش دریافت می‌شد صرف خوشگذرانی شاهزادگان و امیران مستقر در پایتخت می‌شد. حاج‌سیاح شرایط بد امور لشکری و نظامی‌گری در این زمان را نکوهش می‌کند و از اینکه «بیچه‌های یک‌ساله و ده‌ساله حاکم و امیر و سرتیپ و سردار و سپهسالار و مرجع کار گردیدند» ابراز تأسف می‌کند (سیاح، ۱۳۴۶: ۴۷۸).

کار مناصب و درجات هم - که مخصوص ایران و افسران سپاه و ارتش هر کشوری است - در عصر ناصرالدین شاه به افتضاح کشیده شد. کار این فضاخت به جایی رسید که قبله عالم در ۱۳۰۴ق به ملیجک دوم (عزیزالسلطان) نشان حمایل سرتیپی داد (حکیمی، ۱۳۶۵: ۲۷۸). درجات نظامی مانند سرتیپی، سرهنگی، سلطانی، سالاری و امثال آن به قدری فروخته می شد که عده صاحب منصبان خریداری شده دوسه برابر افراد نظامی شد. بعد از اینکه مناصب نظامی، دیگر خریداری نداشت، به فکر فروش القاب افتخاری افتادند. هر لقب قیمت مخصوصی داشت. تعداد القاب و مناصب به قدری زیاد شده بود که باید فرهنگ جداگانه‌ای برای آن تنظیم کرد. مثلاً از اسم‌هایی مانند ناصر و نصیر با افزودن پسوندی بدان‌ها القابی مانند: ناصرالدوله، نصیرخاقان، نصیرالدوله و... می ساختند و می فروختند یا اسم‌های مختلف را گرفته پسوند «سلطنه» یا «دوله» بدان‌ها می افزودند مانند: هژیرالسلطنه، کوکب‌السلطنه، شمس‌السلطنه، قمرالسلطنه، عضدالسلطنه، ساعدالسلطنه، لسان‌السلطنه و ساعدالسلطنه، بهادرالدوله و ضرغام‌الدوله. هر کدام از صاحبان این القاب بر طمطراق در گوشه‌ای از کشور دارای حشم و خدمی بودند و با غارت و چپاول مردم ستمکش تحت تیول خود، پیشکش‌های معمول «قبله عالم» را فراموش نمی کردند و با پیشکش‌های متعدد به تثبیت موقعیت خود و خاندانشان می پرداختند (همان، ۲۷۵-۲۷۸).

موضوع فساد و رشوه‌خواری در امور نظامی ایران، حتی در گزارش‌های سفرنامه‌نویسان خارجی نیز آمده است، از جمله در سفرنامه هانری رنه فرانسوی این مطلب به وضوح منعکس شده است. در این اثر از بی‌نظمی‌ای که در قشون حکم‌فرما بود چنان یاد شده است که ارتقاء صاحب‌منصبان به درجات بالاتر منوط به پرداخت پیشکش به وزیر جنگ بوده است. این مبلغ پرداختی از راه‌هایی چون اخاذی از زیردستان، بالا کشیدن مواجب سربازان و ... تأمین می شد و خود وی این موضوع را در مشهد از نزدیک مشاهده کرده است (۱۳۳۵: ۲۶).

کارمندان نظمی در مقام نیروی نظامی و به‌عنوان بازوان دولت در حفظ و برقراری نظم و امنیت در داخل شهرها و ارگان‌های داخل آن از دریافت رشوه و پیشکش برکنار نبودند. این کار تا بدانجا پرسود بود که ایشان را از پاسبانی و حفظ امنیت عمومی بازمی داشت و هرگاه سرقتی انجام می شد بهترین کار برای صاحب مال مخفی کردن دزدی بود؛ زیرا در صورت آگاهی نظمی، فرد

به مال خویش نمی‌رسید و به‌صرفه‌تر آن بود که خود درصدد کسب مال ازدست‌رفته برآید (دیولافوا، ۱۳۷۶: ۱۶۹).

۳. فروش القاب و مناصب

در عصر ناصرالدین‌شاه هیچ امری مانند فروش القاب و مناصب مایه تأسف و دچار نابسامانی نشده بود. در زمان این پادشاه القاب و مناصب، همه خرید و فروش می‌شدند. فروش القاب در تمامی زمینه‌ها رایج بود. نه تنها در امور دولتی بلکه حتی در امور مذهبی نیز این پدیده قابل مشاهده بود. بنابر نوشته یکی از مورخان در این زمان در ایران ملاها و شیخ‌الاسلام‌ها و امام جمعه‌ها و... تنها لقب داشتند و در غالب موارد این القاب را به‌شکل ارثی یا پرداخت رشوه و با استفاده از افراد موردنظر در دستگاه حکومتی به‌دست می‌آوردند؛ حال آنکه اغلب علم‌چندانی نیز نداشتند (سیاح، ۱۳۴۶: ۱۹). مناصب و القاب در معرض فروش و حراج قرار داشت. هرکسی هر منصبی می‌خواست به مبلغ معینی خریداری می‌کرد، حتی زرگر، معمار، کلاهدوز و نجار هم بی‌نصیب از منصب نمی‌ماندند. از این‌رو برخی به فکر ساختن «فرمان» افتادند. فرمان به مهر صدراعظم نیاز داشت و اگر روزی هزار فرمان هم نزد اتابک می‌بردند، بدون خواندن مهر می‌کرد. صحنه همایونی غیر از خطی کج و معوج کشیدن خرجی دیگر نداشت. بعد از صحنه، مهر شاهی هم معطلی نداشت؛ زیرا مهر شاه نزد شخص مخصوصی بود. مهور کردن فرمان دارای رسوم معینی بود و با مختصر مبلغی امر قطعی می‌شد (حکیمی، ۱۳۶۵: ۲۷۷).

۴. بیگانگان و رشوه

اگرچه در داخل ایران پدیده رشوه و پیشکش امری رایج بود؛ اما خارجیان نیز با آن بیگانه نبودند از جمله هانری رنه در تعریف رشوه می‌نویسد که تعارف [رشوه] هدیه‌ای است که: «زیردستی به مافوق خود می‌دهد تا مقصود او را انجام دهد. این طرز هدیه در زمان‌های پیشین در رژیم حکومت ما هم معمول بود و می‌بایستی مبلغی پردازد تا مثلاً گناه مقصری بخشیده شود.» (۱۳۳۵: ۲۶). ناصرالدین‌شاه برای تأمین بودجه عظیم دربار خود ناچار بود امتیازاتی به دولت‌های خارجی

بدهد یا اینکه با گرفتن پیشکش از درباریان یا مصادرهٔ اموال بزرگانی که مرده بودند، پول تهیه می‌کرد. در برقرای روابط بین کشورها نیز از رسوم رایج، دادن هدایا و پیشکش‌ها بود از جمله در بستن عهدنامه میان ایران و فرانسه، بنابر گزارش لسان‌الملک سپهر، امپراطور فرانسه - اعظم و اجل - نشان دولت خود را که نشان «لژیون دونور مرصع به الماس شاهوار با حمایل خاص» بود، به حضرت دارالخلافة تقدیم کرد (سپهر، ۱۳۷۷: ۱۴۳۵).

در قضیهٔ اجارهٔ سواحل ایران و بندرعباس از سوی امام عمان نیز قضیهٔ پیشکش دیده می‌شود و نشان می‌دهد که رشوه و پیشکش منحصر به درون کشور نبود و حتی بیگانگان نیز گاهی از روی میل و گاهی از روی اجبار به پرداخت رشوه اقدام می‌کردند. در قضیهٔ اجارهٔ بندرعباس و جزایر آن در ۱۲۷۰ش، سید سعیدخان که از معاشرت با رجال ایرانی به خوی و سیرت ایشان پی برده بود برای نیل به مقصود خویش - که همان دستیابی به امارت بندرعباس و جزایر آن بود - پیشکشی فرستاد که شامل چند رأس اسب عربی و تفنگ‌های فرنگی و یک رشته مروارید آبدار بود. این هدایا را حاجی عبدالله نامی به دربار شوکت‌مدار برد و به صدراعظم وقت نیز جداگانه هدایایی داده شد (خورموجی، ۱۳۴۴: ۱۶۴).

رشوه‌گیران ایرانی که از بیگانگان رشوه و پیشکش می‌گرفتند در این زمان بسیار بودند و حتی بزرگترین مقامات کشوری که دسترسی به منابع مالی کافی داشتند نیز از این خوان بهرمند می‌شدند. محمدیوسف خان هراتی که از جمله مورخان عصر قاجاریه بود و در زمان وی کشمکش بین ایران و انگلیس بر سر قضیهٔ هرات وجود داشت در اثر خود میرزا آقاخان نوری، صدراعظم ایران را از جمله افرادی ذکر می‌کند که از انگلیسی‌ها رشوه می‌گرفت و در عوض این کار حکمی به حسام‌السلطنه نوشت تا هرات را تخلیه کند و به مشهد برگردد (ریاضی هروی، ۱۳۶۹: ۱۲۹).

همچنین به نظر یاکوب ادوارد پولاک^۱، سفرنامه‌نویس آلمانی - اطریشی، نگهداری و مدیریت سفارتخانه در دورهٔ قاجاریه بسیار مشکل بود؛ زیرا غربیانی که به خوی و خصلت شرقیان (ایرانیان) عادت نداشتند با مشکل برمی‌خوردند و مجبور بودند برای دورنبودن از اخبار و حوادث جاری و

امورات دربار به درباریان رشوه دهند تا به شکل سفارتخانه‌ای راکد و بدون اثر در نیایند (۱۳۶۱: ۲۹۷). با توجه به این حقایق بود که سفارتخانه‌های روس و انگلیس در این دوره از فعال‌ترین سفارتخانه‌های خارجی در ایران بودند؛ زیرا افراد زیادی در دربار و نهادهای دولتی داشتند که می‌توانستند در مواقع مناسب با پرداخت رشوه و پیشکش‌هایی، نفوذ و قدرت دولت متبوع خود را در وقایع و حوادث اعمال کنند. این تعارفات و انعام و رشوه‌ها همیشه خواهان نداشت. هرچند در بین ایرانیان، افراد محتاج یا رشوه‌خوار بسیار بودند و اغلب هم چشم امید به دادن پیشکش یا انعام داشتند؛ اما در این میان پیدا می‌شدند افرادی که از قبول آن سر باز می‌زدند. ادوارد براون که از شناخته‌شده‌ترین غربیانی است که در این زمان به ایران آمده است، با ذکر نمونه‌ای از اینکه فردی ایرانی از قبول این پول ابا کرده اظهار تعجب می‌کند (پولاک، ۱۳۸۱: ۱۸۸).

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالبی که در بخش‌های بالا و با تکیه بر منابع مختلف ارائه شد، به وضوح و روشنی دریافته می‌شود که در ابعاد گوناگون و به دلایل متعدد، رشوه، پیشکش و انواع آن رسوخ و رواج کاملی در ارکان و شئون حکومت، جامعه و دست‌اندرکاران آن از شاه و اطرافیان و زیردستان او تا حکام ولایات و ابواب جمعی آن‌ها و... داشته است. هرچند علل و دلایل متعددی در شکل‌گیری و پیشرفت این پدیده در دوره حکومت قاجاریه ذکر شد و قطعاً بررسی‌ها و پژوهش‌های موشکافانه و نقادانه‌ای را می‌طلبد؛ اما از بررسی و مطالعه کتب و مقالات به روشنی دریافت می‌شود که هرچند پدیده رشوه‌دهی و رشوه‌ستانی - با همه انواع و ابعاد آن - مختص دوره قاجاریه نیست و ابداً نمی‌توان حکومت قاجار را مبدع و واضع این نوع ارتباط مالی غیرقانونی دانست؛ اما با توجه به وضعیت جدید سیاسی ایران در جهان، قدرت یافتن فوق‌العاده کشورهای اروپایی و همسایگان ایران به خصوص روسیه تزاری، تضعیف فوق‌العاده بنیان‌ها و شالوده‌های اقتصادی ایران، ضعف و فتور عموماً همیشگی شاهان قاجار و به خصوص صدراعظم‌هایی چون میرزا آقاسی و حاجی میرزا اعتمادالدوله و سایر درباریان متنفذ، عدم علاقه حکومت مرکزی به دخالت مستقیم در کار حکمرانی حاکمان ایالات و بسنده کردن به اخذ خراج و مالیات سالانه و... این پدیده در تمام

ابعاد آن شیوعی فوق‌العاده و حیرت‌انگیز در میان جامعه یافت، به گونه‌ای که در بیشتر موارد قبح ذاتی خود را نیز از دست داد. موارد متعدد رشوه با ذکر نام افراد و مبالغ تقدیمی و دلیل پرداختی آن در کتاب‌های وقایع یا منابع تاریخی - که توسط درباریان صاحب‌نام و مورد اعتماد نوشته شده - با صراحت ذکر شده است.

اهمیت این موضوع از آنجا بیشتر نمایان می‌شود که حتی در زمانی که افرادی مانند امیرکبیر برای تقویت بنیه اقتصادی و سیاسی کشور به قطع درآمدهای غیرقانونی و نامشروع - که قطعاً باعث ضربه زدن به پیکره اقتصاد جامعه و فرهنگ عمومی می‌شد - اقدام می‌کردند، با شدیدترین هجمه‌ها، کارشکنی‌ها و دسیسه‌ها از سوی بیشتر متنفذین و درباریانی روبرو می‌شدند و اصلاح موارد ذکر شده را پایان دوره کسب ثروت‌های بادآورده، القاب و عناوین حکومتی، حکومت ایالات و ... می‌دیدند.

منابع

- آدمیت، فریدون (۱۳۶۲). *امیرکبیر و ایران*. تهران: خوارزمی.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۴۸). *خلسه مشهور به خوابنامه*. به کوشش محمود کتیرایی. تهران: چاپخانه میهن.
- _____ (بی تا). *المآثر والآثار*. [بی جا]: چاپخانه سنایی.
- _____ (۱۳۴۵). *روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه*. به کوشش ایرج افشار. تهران: امیرکبیر.
- امین‌الدوله، میرزاعلی خان (۱۳۴۱). *خاطرات سیاسی امین‌الدوله*. به کوشش حافظ فرمانفرمایان. تهران: شرکت سهامی کتاب‌های ایران.
- براون، ادوارد گرانویل (۱۳۸۱). *یک سال در میان ایرانیان*. ترجمه مانی صالحی علامه. تهران: ماه‌ریز.
- بوئه، موریس دو کوتز (۱۳۶۵). *مسافرت به ایران*. ترجمه محمود هدایت. تهران: جاویدان.

- بیانی، خان‌بابا (۱۳۷۵). *پنجاه سال تاریخ ایران در دوره ناصری*. ج ۵ و ۶. ویرایش سعید قانعی. تهران: علم.
- پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۱). *سفرنامه پولاک (ایران و ایرانیان)*. ترجمه کیکاووس جهانداری. تهران: خوارزمی.
- حکیمی، محمود (۱۳۶۵). *داستان‌هایی از عصر ناصرالدین‌شاه*. تهران: قلم.
- خورموجی، محمدجعفر (۱۳۴۴). *حقایق‌الآخبار ناصری*. به کوشش حسین خدیوجم. تهران: کتابفروشی زوار.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳). *لغت‌نامه دهخدا*. تهران: دانشگاه تهران.
- دیولافوا، ژان (۱۳۵۵). *سفرنامه خاطرات کاوش‌های باستان‌شناسی شوش*. ترجمه ایرج فره‌وشی. تهران: دانشگاه تهران.
- ----- (۱۳۷۶). *ایران کلدی و شوش*. علی محمد فره‌وشی. ج ۶. تهران: دانشگاه تهران.
- راوندی، مرتضی (۱۳۵۹). *تاریخ اجتماعی ایران*. ج ۲ و ۴. تهران: امیرکبیر.
- رنه، هانری (۱۳۳۵). *سفرنامه از خراسان تا بختیاری*. ترجمه همایون فره‌وشی. تهران: امیرکبیر.
- *روزنامه ایران* (۱۳۷۴). ج ۱. ش ۱-۲۰۸. تهران: کتابخانه ملی با همکاری مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- *روزنامه وقایع اتفاقیه* (۱۳۷۳). ج ۱. ش ۱-۱۳۱. تهران: کتابخانه ملی با همکاری مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- ریاضی هروی، محمدیوسف (۱۳۶۹). *عین‌الوقایع*. تصحیح محمدآصف فکرت هروی. بی‌جا: بنیاد موقوفات محمود افشار یزدی.
- سالک، داوود (۱۳۸۹). *زندگی ناصرالدین‌شاه قاجار (سلطان صاحبقران)*. تهران: معیار علم.
- سپهر، محمدتقی (۱۳۷۷). *ناسخ‌التواریخ*. ج ۳. به اهتمام جمشید کیانفر. تهران: اساطیر.
- سیاح، محمدعلی (۱۳۴۶). *خاطرات حاج‌سیاح یا دوره خوف و وحشت*. به کوشش حمید سیاح و تصحیح سیف‌الله گلکار. تهران: امیرکبیر.

- سینکی، مجدالملک (۱۳۲۱). *رساله مجدییه*. با مقدمه و مقابله و تصحیح سعید نفیسی. تهران: بانک ملی.
- شمیم، علی اصغر (۱۳۸۴). *ایران در دوره سلطنت قاجار*. چ ۳. تهران: زریاب.
- شوستر، ویلیام مورگان (۱۳۳۴ق). *اختناق ایران*. ترجمه ابوالحسن موسوی شوشتری الجزائری. کلکته: حیل‌المتین.
- شیل، آن‌مری (۱۳۶۲). *خاطرات لیدی شیل همسر وزیرمختار انگلیس در اوایل سلطنت ناصرالدین‌شاه*. ترجمه حسن ابوترابیان. تهران: نشر نو.
- فوران، جان (۱۳۸۹). *مقاومت شکننده تاریخ تحولات اجتماعی ایران*. ترجمه احمد تدین. تهران: خدمات فرهنگی رسا.
- کاتوزیان، محمدعلی همایون (۱۳۹۰). *ایران، جامعه کوتاه‌مدت و سه‌مقاله دیگر*. ترجمه عبدالله کوثری. تهران: نی.
- کرزن، جرج (۱۳۴۷). *ایران و مسئله ایران*. ترجمه علی جواهرکلام. ج ۲. چ ۳. تهران: سینا.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۸۶). *شرح زندگانی من (تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه)*. تهران: هرمس.
- ناطق، هما (۱۳۷۳). *بازرگانان در دادوستد با بانک شاهی و رژی تنباکو*. چ ۲. تهران: توس.
- ناظم‌الدوله، ملک‌خان (۱۳۶۹). *روزنامه قانون*. تهران: کویر.